قتل دوست به خاطر دوستی با یک زن

گروه حوادث – نگهبان باغ میوه که به‌خاطر ارتباط پنهانی دوستش با یک زن متأهل وی را به قتل رسانده بود در دادگاه کیفری به حبس محکوم شد.

این حادثه خونین حدود دو سال قبل در یک باغ میوه اطراف تهران رخ داد. وقتی صاحب باغ برای سرکشی به آنجا رفته بود جسد خونین مرد جوانی را پیدا کرد و به پلیس اطلاع داد. وقتی مأموران راهی محل کشف جسد شدند، این مرد گفت: من صاحب باغ هستم مدتی است در قسمت انتهایی باغ در حال ساخت یک ویلای کوچک هستم و هر هفته برای سرکشی به باغ می‌آیم. امروز که به اینجا آمدم ناگهان در میان خرابه‌ها با این جسد روبه‌رو شدم. بلافاصله دنبال سعید نگهبان باغ گشتم او همیشه اینجا زندگی می‌کند، اما هرچه صدایش کردم و دنبالش رفتم او را ندیدم و به پلیس خبر دادم.

پس از شروع تحقیقات جنایی و انتقال جسد به پزشکی قانونی مشخص شد که جسد متعلق به کارگر یکی از باغ‌های اطراف است و خانواده‌اش از یک روز قبل خبر ناپدید شدن او را اعلام کرده بودند. در ادامه نیز کارآگاهان دریافتند مقتول که امیر نام داشته با سعید نگهبان باغی که جسد در آن پیدا شده رابطه دوستانه‌ای داشته و ارتباط خانوادگی دارند. از آنجا که صاحب باغ مدعی بود روز حادثه به محض دیدن جسد دنبال سعید گشته و او را پیدا نکرده است کارآگاهان سعید را برای تحقیق و بازجویی احضار کردند.

وی به پلیس گفت: آن روز برای انجام کاری از باغ بیرون رفته بودم وقتی صاحب باغ با من تماس گرفت و موضوع کشف جسد را گفت تعجب کردم. من از چیزی خبر ندارم و نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده است و حتی جسد را ندیدم. اما وقتی پلیس به سعید گفت که می‌داند آخرین نفری که با امیر دیدار داشته او بوده است وی به ناچار لب به اعتراف گشود و راز جنایت را فاش کرد.

مرد جوان در حالی که از قتل ابراز پشیمانی می‌کرد، گفت: من و امیر سال‌های زیادی با هم دوست بودیم. ما از شهرستان با هم به تهران آمدیم و کار کردیم. حتی رفت و آمد خانوادگی داشتیم، اما از یک اخلاق امیر خیلی ناراحت بودم و آن داشتن چشم ناپاک بود. امیر همیشه به زن‌ها نگاه بدی داشت چندباری هم به او تذکر داده بودم. روز حادثه در حالی که داشتیم با هم صحبت می‌کردیم و چای می‌خوردیم امیر از رابطه‌اش با یک زن متأهل حرف زد. او گفت که این زن همسر دوست صمیمی اش است و عاشق او شده و می‌خواهد کاری کند از شوهرش طلاق بگیرد و با هم ازدواج کنند. متهم ادامه داد: از شنیدن این حرف خیلی به هم ریختم ناگهان یادم آمدم که من چند باری که به سفر رفته بودم زن و بچه‌هایم را به او سپرده بودم و با خودم گفتم نکند به همسر من هم نگاه ناپاک داشته است. خیلی عصبانی شدم به امیر گفتم نباید این کار را بکنی تو خودت زن و بچه داری.

ضمن اینکه او همسر دوستت است و نباید زندگی اش را خراب کنی. امیر حرف‌های من را به شوخی گرفت و گفت دنیا دو روز است و آدم باید هرطوری که دوست دارد زندگی کند. آن زن هم از دست شوهرش ناراحت است و آن‌ها اصلاً با هم خوب نیستند. من به امیر گفتم هرطوری هست تو نباید زندگی آن‌ها را خراب کنی. آن‌ها زن و شوهر هستند شاید با هم دعوا کرده‌اند و بعد آشتی می‌کنند به تو ربطی ندارد. آن زن بچه دارد و تو نباید زندگی او را نابود کنی. اما امیر با شنیدن حرف‌های من عصبانی شد و گفت به تو ربطی ندارد. من که بشدت ناراحت بودم تصمیم گرفتم او را بکشم، چون فکر می‌کردم دیر یا زود به سراغ خانواده من هم می‌آید. با امیر درگیر شدم و دستانم را روی گلویش گذاشتم و او را خفه کردم. بعد هم چند ضربه چاقو به او زدم. بعد از وارد کردن ضربات چاقو او را در گوشه‌ای رها کردم و رفتم.

بعد از اعترافات متهم و شکایت اولیای دم و درخواست قصاص از سوی آن‌ها پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد، اما قبل از جلسه دادگاه سعید موفق به جلب رضایت اولیای دم شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده که روز گذشته برگزار شد، متهم به لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه ایستاد. او گفت: من اتهام خودم را قبول دارم، اما امیر مستحق مرگ بود، چون می‌خواست زندگی خودش و دوست صمیمی اش را به هم بزند. با این حال من از خانواده او طلب عفو و بخشش دارم.

وی در ادامه گفت: من و خانواده‌ام هر چه داشتیم فروختیم تا دیه مقتول را به خانواده‌اش بدهیم و رضایت بگیرم و الان هم خانواده‌ام در شرایط خیلی سختی زندگی می‌کنند. امروز از دادگاه درخواست دارم با توجه به اینکه دیه سنگینی پرداخت کردم و کارم را هم از دست دادم کمک کنید آزاد شوم تا بتوانم دوباره پیش خانواده‌ام بروم و زندگی‌ام را از نو شروع کنم. در پایان جلسه دادگاه، قضات متهم را از جنبه عمومی جرم به حبس محکوم کردند.

اعترافات هولناک «جوجه زورگیر»

گروه حوادث – جوان ۱۸ ساله‌ای که به خاطر قیافه و اندام ریزش از سوی شاکیان لقب «جوجه زورگیر» گرفته است، در همان دقایق اولیه دستگیری به ۱۴ فقره زورگیری های مخوف از شهروندان و عابران اعتراف کرد. در پی وقوع زورگیری های مخوف در مناطق قاسم آباد، وکیل آباد و آزادشهر در حالی گروه زبده ای از نیروهای تجسس کلانتری شهرک ناجا با صدور دستورات ویژه ای از سوی قاضی دکتر اسماعیل رحمانی (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) مامور پیگیری سرقت های مخوف شدند که شاکیان از چهره بدون ریش و سبیل و ریز اندام زورگیر موتورسوار سخن می گفتند.

با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، این پرونده در شعبه ۶۰۲ مجتمع قضایی شهید کامیاب مورد رسیدگی قرار گرفت و نیروهای تجسس با فرماندهی مستقیم سرهنگ محمد فیاضی (رئیس کلانتری شهرک ناجا) به طور شبانه روزی مناطق احتمالی ارتکاب جرم توسط زورگیران را قرق کردند. با عملیات های اطلاعاتی پلیسی طولی نکشید که نیروهای کارآزموده ساعت ۵ بامداد بیستم تیر، دو جوان موتورسوار را با مشخصات اعلامی از سوی شاکیان، در بولوار وکیل آباد مورد تعقیب قرار دادند. موتورسواران که تلاش می کردند با ویراژ سرسام آور از چنگ پلیس بگریزند، به دلیل واژگونی موتورسیکلت، پیاده پا به فرار گذاشتند و در تاریکی شب محو شدند. ماموران با انتقال موتورسیکلت و قمه رها شده در محل به کلانتری، تحقیقات خود را با راهنمایی های معاون دادستان مشهد در حالی ادامه دادند که یکی از شماره های پلاک موتورسیکلت مخدوش شده و تغییر کرده بود. این گزارش حاکی است، ماموران انتظامی با استفاده از شگردهای تخصصی و پلیسی موفق شدند یکی از زورگیران را که ۱۸ سال دارد و از سوی شاکیان به «جوجه زورگیر» معروف بود، در یک عملیات ضربتی و در بولوار هدایت مشهد دستگیر کنند. آن چه می خوانید گفت و گوی کوتاه با این زورگیر مخوف پس از انجام بازجویی های قضایی است.

نامت چیست؟ علی –ف

چند سال داری؟ متولد ۱۳۸۱ هستم

همدست هم داری؟ بله! فراری است

سابقه داری؟ نه!

چند وقت است زورگیری می کنی؟ از حدود یک هفته قبل

چه شد که توسط ماموران تجسس کلانتری شهرک ناجا دستگیر شدی؟ آن شب «الف» که به قفل ساز معروف است (همدست متهم) نزد من آمد و گفت بیا با هم به زورگیری برویم من هم موتورم را برداشتم و به وکیل آباد آمدیم و به خیابان معلم ۵۳ رفتیم آن جا «الف» پیاده شد و به سراغ مردی رفت که در حال تردد بود. او با همین قمه ای که توسط پلیس کشف شد، آن مرد را ترساند و دو تراول (چک پول) ۵۰ هزار تومانی از او گرفت و متواری شدیم بعد به وکیل آباد ۳۹ آمدیم و برای یافتن طعمه دیگر دور می زدیم که خودمان را در محاصره پلیس دیدیم! در حین فرار موتور واژگون شد و ما از ترس پیاده فرار کردیم.

پلاک موتور را هم مخدوش کرده ای؟ بله! یک شماره آن را تغییر دادم که ماموران نتوانند ما را شناسایی کنند ولی...

قمه ای که در محل رها کردید مال کیست؟ مال «الف» است

با همدستت چگونه آشنا شدی؟ او را از یک سال قبل می شناسم! ولی شش ماه قبل از زندان آزاد شد او به خاطر زورگیری در زندان بود! من هم از حدود یک هفته قبل فریب وسوسه های او را خوردم و در سرقت ها با او همراه شدم!

چند فقره زورگیری کرده ای؟ در این مدت ۱۴ فقره!

بیشتر در کدام مناطق زورگیری می کردید؟ وکیل آباد، پیروزی، قاسم آباد، میدان لاله، بولوار معلم و ...

چرا نزد فروشنده موتورسیکلت رفتی تا قولنامه را عوض کنی؟ می خواستم قولنامه را به نام پدرم تغییر بدهم تا به کلانتری شهرک ناجا برود و موتورسیکلت را تحویل بگیرد اما قبل از آن دستگیر شدم!

الان پشیمانی؟ خیلی! من فریب «الف» را خوردم! او سابقه دار بود و مرا هم به این راه کشاند!

نقشه هولناک کیوان و زن صیغه ای برای زن و شوهر پزشک

گروه حوادث – پرستار خانگی که با همدستی شوهرش نقشه سرقت از خانه زوج پزشک کرمانی را اجرا کرده بودند با حفر تونل در خانه ویلایی قصد گمراه کردن کارآگاهان را داشتند.

چندی قبل، زن جوانی هراسان با پلیس تماس گرفت و گفت: پدر و مادرم پزشک بازنشسته هستند و در خانه ویلایی زندگی می‌کنند. من هر روز عصر با مادرم تماس می‌گیرم و دو بار در هفته نیز به دیدن آنها می‌روم. دیروز عصر هرچه به مادرم زنگ زدم جواب نداد. شب هم تلفن هایم بی‌جواب ماند تا اینکه خودم را به خانه او رساندم. با کلید یدکی که به همراه داشتم وارد خانه شدم اما داخل حیاط با صحنه‌ای رو به رو شدم که خشکم زد.

دیوار خانه تخریب و تونلی به داخل خانه حفر شده بود. فوراً وارد ساختمان شده و با بدن نیمه جان مادر و پدرم مواجه شدم. تنها کاری که کردم این بود که به اورژانس زنگ بزنم. امدادگران گفتند اگر کمی دیرتر آنها به بیمارستان منتقل می‌شدند، جان می‌باختند. از داخل خانه سرقت شده است و از طلاها و وسایل داخل خانه نیز خبری نیست.

سارقان آشنا

زوج کهنسال در بیمارستان تحت درمان قرار گرفته و چند روز بعد با تلاش کادر درمانی از کما بیرون آمدند. با شکایت زن جوان تحقیقات پلیسی آغاز شد، در بررسی‌های اولیه به نظر رسید که تونل حفر شده تنها برای تغییر مسیر تحقیقات بوده و هیچ رفت و آمدی از سوی سارق یا سارقان احتمالی از تونل صورت نگرفته است بلکه سرقت از در ورودی صورت گرفته که در ورودی نیز سالم بود.

بدین ترتیب این احتمال مطرح شد که سارق یا سارقان، با صاحب خانه آشنا بوده‌اند. خانواده زوج پزشک در تحقیقات عنوان کردند: پدر و مادرمان پیر بودند و با توجه به کرونا کسی به خانه آنها رفت و آمد نداشت. از طرفی اقوام و آشنایان ما نیز افرادی مطمئن هستند. البته مدتی است که پرستاری برای پدر و مادرمان گرفته‌ایم که کارهای آنها را انجام می‌دهد. زن میانسالی بود که می‌گفت مجرد است و از تهران به کرمان آمده است. چون کارش خوب بود تصمیم گرفتیم به‌صورت ثابت استخدامش کنیم.

با این احتمال که پروانه در این سرقت نقش داشته باشد تحقیقات روی این شاخه متمرکز شد. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که پروانه همزمان با سرقت ناپدید شده است.

دستگیری در پایتخت

در ادامه بررسی‌ها، کارآگاهان پلیس کرمان دریافتند که پروانه برای ملاقات خانواده‌اش راهی تهران شده است. بدین ترتیب با هماهنگی‌های قضایی راهی پایتخت شده و زن میانسال را دستگیر کردند. او که ابتدا منکر سرقت بود زمانی که با مدارک پلیسی مواجه شد به سرقت‌های سریالی از خانه زوج ثروتمند اعتراف کرد. وی گفت: چند ماهی بعد از استخدام در خانه خانم دکتر با کیوان آشنا شدم. او به من پیشنهاد ازدواج داد و به عقد موقتش درآمدم. اما از این ماجرا به خانم دکتر و همسرش حرفی نزدم. در صحبت هایم با کیوان از وضعیت مالی خانم دکتر می‌گفتم و او هم وسوسه سرقت را به جانم انداخت.

او ادامه داد: نقشه از این قرار بود که من هر بار داخل آبمیوه و غذای آنها داروی بیهوشی می‌ریختم و مقداری از طلاها و پول‌ها را سرقت می‌کردم. سرقت‌های سریالی ما بدون آنکه خانم دکتر و همسرش متوجه شوند ادامه داشت تا اینکه کیوان پیشنهاد سرقت وسایل با ارزش خانه را داد. در این مدت پول خوبی از سرقت‌ها گیرم آمده بود و در نهایت با او موافقت کردم. این بار داخل غذا داروی بیهوشی ریختم اما مقدار دارو را نسبت به قبل خیلی زیادتر کرده بودم.

به محض اینکه خانم دکتر و همسرش خوابشان برد در را برای کیوان باز کردم و وسایل باارزش خانه را بیرون بردیم. حفر تونل هم نقشه کیوان بود، می‌گفت این‌طوری پلیس فکر می‌کند سرقت کار یک غریبه بوده است. بعد از سرقت، من برای دیدن خانواده‌ام به تهران آمدم و قرار شد کیوان هم چند روز بعد نزد من بیاید. با اعتراف پرستار به سرقت‌های سریالی از خانه ویلایی، کیوان نیز بازداشت شد و به جرم خود اعتراف کرد. برای ورود به کانال تلگرام ما کلیک کنید.

بلایی که بر سر خودروی صفر کیلومتر یک مرد توهمی آمد

گروه حوادث – چند روز پیش از موضوع پیچیده و عجیبی مطلع شدم که باعث شد به شدت نگران سلامتی‌ام بشم و می‌دونم که هرچه سریع‌تر باید خودم رو به یک روان‌پزشک نشون بدم. تقریبا سه سال پیش ماشین صفر کیلومتری خریدم و این در حالی بود که اصلا رانندگی بلد نبودم و قصدم از خرید اون ماشین این بود که قسمتی از سرمایه‌ام رو تبدیل کنم به یک چیزی و مانع از خرج شدن الکی پول‌هام بشم. در ضمن می‌دونستم که اینطوری از ارزش پولم کم نمیشه و مطمئن بودم که یکی، دو سال بعد می‌تونم ماشینم رو با قیمت بیشتری بفروشم.

وقتی اون ماشین رو تحویل گرفتم، به کمک یکی از دوستانم آوردمش و توی پارکینگ خونه‌ام پارکش کردم و از اون به بعد فقط هفته‌ای یکی، دو بار به مدت چند دقیقه روشنش می‌کردم تا برای باتری‌اش مشکلی پیش نیاد تا اینکه تقریبا سه سال گذشت و باخبر شدم که قیمت ماشین به صورت وحشتناکی بالا رفته و به همین خاطر تصمیم گرفتم اون ماشین رو بفروشم تا با پولش کار دیگه‌ای انجام بدم، اما وقتی حرف‌های اولین نفری که برای دیدن ماشین اومده بود رو شنیدم، کم مونده بود از شدت عصبانیت سکته کنم، چون وقتی بهم گفت که قیمت پیشنهادی‌ام بیش از حد بالاست و اون می‌تونه با این قیمت همون مدل ماشین، اما صفر کیلومترش رو بخره لبخندی زدم و گفتم که به خاطر همین هم قیمت رو زیاد بالا نگذاشتم و بعد هم بهش گفتم که اون ماشین سه سال تمامه که توی پارکینگ خونه‌ام خوابیده، اما هنوز حرفم تموم نشده بود که اون مشتری به عدد روی کیلومترشمار ماشین اشاره کرد و بعد هم با ناراحتی بهم گفت که از آدم‌های دروغگو متنفره و از اونجا رفت.

وقتی عدد روی کیلومترشمار رو خوندم و متوجه شدم با توجه به اون عدد، ماشین ۱۵۰ هزار کیلومتر راه رفته دو تا فکر اومد توی ذهنم؛ یکی اینکه کیلومتر شمار ماشین خرابه و فکر دیگه هم این بود که سه سال پیش سرم کلاه بزرگی رفته باشه، به خاطر همین با همون دوستم که زمان تحویل گرفتن ماشین همراهم بود، تماس گرفتم و ازش خواستم نگاهی بهش بیندازه، اما اون خیال کرد دارم سر به سرش می‌گذارم و بهم گفت که آخرین بار با همون ماشین به مسافرت دو روزه‌ای رفته بودیم و می‌گفت خود من پشت فرمون بودم و وقتی متوجه شد دارم باهاش به صورت جدی حرف می‌زنم، برای اثبات حرفش گفت که توی جاده جریمه مون کردن و گفت که می‌تونم با زدن یک پیامک باخبر بشم که کجا و کی مرتکب خلاف شدم. هرقدر بهش می‌گفتم که من اصلا گواهینامه ندارم، بیشتر نگران حالم می‌شد و آخر سر هم بهم گفت که میاد به دیدنم و گوشی رو قطع کرد. من هم که حسابی گیج شده بودم، شماره روی کارت ماشینم رو پیامک کردم به شماره‌ای که دوستم گفته بود و وقتی چند ثانیه بعد جواب اون پیامک برام ارسال شد، مطمئن شدم که کاسه‌ای زیر نیم کاسه این ماجراست، چون به گفته راهنمایی و رانندگی نزدیک ۴۰۰ هزار تومان خلافی داشتم، اما وقتی خواستم کارت ماشین رو بگذارم توی کیفم، نگاهم افتاد به چیزی که دیگه به هیچ عنوان نمی‌تونستم براش دلیلی پیدا کنم، توی کیفم گواهینامه‌ای با مشخصات من وجود داشت که ۳ سال از تاریخ صدورش گذشته بود.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۰۲۸۴ – ۴۴۴۲۴۹۹۹ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

به یک منشی خانم مسلط به کامپیوتر(حتما ساکن کیش) نیازمندیم
ساعت کار: ۹ الی ۱۳ و ۱۷ الی ۲۱
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۱۴۴۰

استخدام
خدمات
مفقودی
خرید و فروش و ...

استخدام نگهبان
مجرب ،دارای مدرک تحصیلی دیپلم به بالا، و حداقل قد ۱/۸۰ جهت بازار مرکز تجاری نیازمندیم
۰۹۳۴۷۶۹۲۲۹۱

به یک زوج آشنا به امور سرایداری و نظافت منزل نیازمندیم
مزایا: حقوق + مسکن
شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۴۶

کف پوش سه بعدی
فروش ونصب در جزیره
۰۹۱۱۵۹۱۸۳۷۶
۰۹۱۲۵۷۹۳۲۱۲

تعمیر و نصب کولر، اسپیلت، داکت، یخچال خانگی و صنعتی و دوربین مداربسته
شماره تماس: ۰۹۰۲۸۹۵۹۹۰۶

فروشگاه مبلمان کاسونی کیش استخدام می نماید
سرپرست فروشگاه با ۵ سال سابقه سرپرستی
کارشناس فروش (آشنا با مبلمان و کالای خواب)
کد رزومه سرپرست فروش ۰۰۱۶
کد رزومه کارشناس فروش ۰۰۵
Hr@yatash.ir
02125923 داخلی 102

خدمات

مجتمع فنی تهران
نمایندگی کیش
مرکز آموزش های علمی و کاربردی
(ارائه معتبرترین مدارک بین المللی)
۰۷۶۴۴۴۶۷۰۲۴
MFTKISH
MFTKISH.COM

شرکت چرتکه کیش
خدمات حسابداری، حسابرسی و مالیاتی
آموزش حسابداری و بورس
۰۷۶۴۴۴۶۷۰۲۵
CHORTKEHKISH

تاسیسات برق ساختمان و نصب لوستر
فوری با یک تلفن
۰۹۱۰۳۹۶۸۰۳۵

باز سازی و پیمان کاری ساختمان
رجب زاده ۰۹۱۲۲۰۹۹۱۵۸

فود فور کیش
سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وب سایت و اپلیکیشن
www.F4k.ir

نیروی اداری خانم
آشنا به کامپیوتر جهت کار
در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید
روبروی هایپر مارکت بالای بانک
سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: یک شیفت (۸ تا ۳ بعدازظهر)

نصب لوستر فوری
۰۹۳۸۵۷۵۰۸۶۷

نقاشی ساختمان
کلی و جزیی
باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

حمل بار در سطح جزیره با شش چرخ
فقط با یک تلفن
باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

تاسیسات ساختمان
آب-برق- کلیه امور
کلی وجزئی
توانا
۰۹۱۷۹۴۹۰۸۳۱

نقاشی ساختمان
کلی و جزیی
بابایی
۰۹۳۴۷۶۹۴۳۱۸

شهروند گرامی کیش!
به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روزدهها آگهی درنیازمندیهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.
از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، با روش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.